


محدودیت‌های آزادی بیان در اسناد بین‌المللی و اسلام

سیدطه موسوی میرکلائی / دکترای تخصصی حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

taha_mo61@yahoo.com

ساوالان محمدزاده / کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری و پژوهشگر گروه حقوق بشر و بین‌الملل پژوهشگاه قوه قضائیه
savalan.mohamadzadeh75@gmail.com  orcid.org/0000-0002-0234-7468

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۱ - پذیرش ۱۴۰۰/۰۷/۰۷

چکیده

آزادی بیان یکی از حقوق بنیادین بشر و درعین حال یکی از ملزومات شکوفایی استعدادهای انسان در دنیای مدرن امروزی است. آگاهی از رویکرد اسناد بین‌المللی و اسلام به محدودیت‌های آزادی بیان، این فرصت را فراهم خواهد آورد تا در تطبیق این دو رویکرد، نقاط قوت و ضعف هریک مشخص شود. به‌علاوه، بررسی محدودیت‌های آزادی بیان در اسناد بین‌المللی و اسلام، ارزیابی رویه دولت‌های اسلامی در این خصوص را امکان‌پذیر کرده، نکات برجسته آنها را نشان خواهد داد. پرسش اساسی در این مقاله آن است که اسناد بین‌المللی و اسلام چه رویکردی به محدودیت‌های آزادی بیان دارند. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به این نتیجه می‌رسد که از حیث گستره مفهومی و دامنه شمول، محدودیت آزادی بیان در اسناد بین‌المللی متفاوت با شریعت اسلامی است. البته این تفاوت در مبانی نظام حقوق بین‌الملل و نظام اسلامی ریشه دارد.

کلیدواژه‌ها: حقوق بنیادین بشر، آزادی بیان، اسناد بین‌المللی، نظام بین‌المللی حقوق بشر، نظام حقوقی اسلام.

در نظام بین‌المللی حقوق بشر، نظر به آنکه حقوق بشر از نظر ادعاها یا خواسته‌های مطرح‌شده علیه دولت، مبتنی بر عقایدی است که بر رابطه بین فرد و اقتدار یا فرد و دولت تأکید می‌کند، آزادی بیان برای انسان‌ها از جمله حقوقی است که دولت باید آن را تضمین کند. آزادی بیان، از نظر مطالبات سیاسی، از جمله سنگ‌بناهای دموکراسی‌های مشروطه است و در حقوق بشر جایگاه مهمی دارد؛ تاجایی که برخی آن را منشأ ایجاد نظریه حقوق بشر می‌دانند (کمبر، ۱۳۹۰، ص ۳-۴). وظیفه دولت‌ها در این میان، علاوه بر شناسایی این حق، ایجاد بسترهایی برای تضمین این حق نیز هست؛ به این مفهوم که تعهد دولت‌ها در این باب، تنها جنبه سلبی نداشته و بلکه ایجابی نیز می‌باشد. از نظر اسلام، آزادی به آن معنا نیست که هر عقیده انسان لزوماً باید محترم باشد. از سوی دیگر، آزادی در رویکرد اسلام علاوه بر جنبه اجتماعی آن، که به معنای عدم ایجاد مانع در زندگی تکاملی سایر اعضای جامعه است، جنبه معنوی نیز دارد که عبارت است از رهایی از هواهای نفسانی و ردایل اخلاقی. این ملاحظات موجب می‌شود که آزادی بیان در اسلام به صورت محدود پذیرفته شود. نظر به ملاحظه نخست، حتی در مواردی مانند تغییر دین، که بنا بر اسناد بین‌المللی حقوق بشر امکان توسل به آزادی بیان وجود دارد، در اسلام نه تنها چنین جوازی در دسترس نیست، بلکه در قالب ارتداد، برای آن جرم‌انگاری نیز صورت گرفته است. نظر به ملاحظه دوم، غیبت، توهین و افشای اسرار و عیوب دیگران، از عوامل محدودکننده آزادی بیان شمرده می‌شود.

در نظام بین‌المللی حقوق بشر، آزادی بیان تنها به معنای آزادی سخن نیست؛ بلکه ابعاد دیگری همچون حق دسترسی به اطلاعات، حق دسترسی به فناوری‌های جدید اطلاع‌رسانی از جمله اینترنت، حق دسترسی به ماهواره، حق آزادی بیان در قالب آثار ادبی و هنری، و حق آزادی مطبوعات را نیز شامل می‌شود. نکته قابل تأمل در خصوص ابزار مورد استفاده در آزادی بیان این است که پیشرفت فناوری و اختراع ابزار جدید، آثار متفاوت و بعضاً متضادی بر آزادی بیان داشته است؛ برای نمونه، گسترده‌گی، ارزانی، سرعت و سادگی استفاده از ابزار جدید، به‌ویژه اینترنت، موجب تأمین بهتر حق آزادی بیان برای عموم شده است؛ اما از سوی دیگر، این تحول موجب افزایش خطر سوءاستفاده از آزادی بیان نیز شده است. در این خصوص، آقای عابد حسین، گزارشگر ویژه کمیته حقوق بشر در آزادی بیان، اظهار می‌کند: «فناوری‌های جدید و به‌ویژه اینترنت، ابزار مهمی هستند که می‌باید در راستای احترام به حقوق و عدالت اجتماعی مورد استفاده قرار گیرند؛ بنابراین تا حدی که عدم توازن شدید بین فقرا و ثروتمندان یا بین جوامع توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته در دسترسی و استفاده سازنده از این ابزار وجود دارد، این اصل به‌طور کامل رعایت نشده است» (حسین، ۲۰۰۱، ص ۶۴).

ضرورت طرح موضوع مقاله حاضر از آن روست که در دنیای توسعه فناوری و عصر ارتباطات، آزادی بیان در تعریف موسع پیش گفته، به مثابه یکی از ضروریات هر جامعه، غیرقابل انکار است. تعهدات بین‌المللی دولت‌ها و لزوم

رعایت و تصویب کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی نیز برای تحقق چنین ضرورتی شکل گرفته‌اند. با وجود این، دولت‌های اسلامی علاوه بر تعهدات بین‌المللی مزبور، از موازین اسلامی نیز در این زمینه متأثرند. تحلیل موضع اتخاذی دولت‌های اسلامی در این میانه آنگاه میسر است که نسبت آزادی بیان و محدودیت‌های آن در اسناد بین‌المللی و اسلام مشخص شود. بنابراین، پرسش اصلی در این مقاله آن است که اسناد بین‌المللی و اسلام چه رویکردی به محدودیت‌های آزادی بیان دارند؟ مقاله پیش‌رو با روش توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای به این نتیجه نائل می‌شود که از حیث گستره مفهومی و دامنه شمول، محدودیت آزادی بیان در اسناد بین‌المللی با شریعت اسلامی متفاوت است. البته این تفاوت در مبانی متفاوت نظام حقوق بین‌الملل و نظام حقوقی اسلام ریشه دارد.

مروری بر ادبیات حقوقی موجود در خصوص موضوع، مؤید آن است که عنوان مقاله حاضر چندان مورد بررسی نبوده و از این حیث واجد وصف نوآوری است. برای نمونه، مقاله «محدودیت‌های آزادی بیان در اعلامیه اسلامی حقوق بشر با رویکرد به اسناد بین‌المللی» (ملکوتی و دیگران، ۱۳۹۵)، صرفاً به مقایسه اعلامیه اسلامی و سایر اسناد بین‌المللی پرداخته و موضع اسلام را مجزا از اعلامیه مزبور واکاوی نکرده‌اند. همچنین مقاله «محدودیت‌های آزادی بیان و استانداردهای حاکم بر آنها در اسناد بین‌المللی حقوق بشر» (مظهری و ناصری، ۱۳۹۴)، صرفاً محدودیت‌های آزادی بیان را از منظر اسناد بین‌المللی مورد مذاقه قرار داده و جنبه تطبیقی با اسلام را مدنظر قرار نداده‌اند. مقاله «بررسی تطبیقی محدودیت‌های آزادی بیان در تلویزیون از منظر اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق موضوعه ایران» (احمدی و دیگران، ۱۳۹۵)، نیز فارغ از ارزیابی محدودیت‌های آزادی بیان در رویکرد اسلامی است.

مقاله پیش‌رو ابتدا آزادی بیان و محدودیت‌های آن را در اسناد و قوانین بین‌المللی جهانی، به‌ویژه در اسناد سازمان ملل متحد (از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، و کنوانسیون حقوق کودک) بررسی می‌کند؛ سپس به تبیین این مقوله در اسناد منطقه‌ای (کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر) می‌پردازد و نهایتاً موازین اسلامی در این زمینه را مورد مذاقه قرار خواهد داد.

۱. محدودیت‌های آزادی بیان در اسناد و قوانین بین‌المللی جهانی

در چارچوب حمایت جهانی و نظارت بر حقوق بشر در کشورهای مختلف، نظام سازمان ملل متحد با ساختار نهادی خود و توافقاتی که مبنای آن رضایت دولت‌هاست، از اهمیت اساسی برخوردار است. در این زمینه، به‌منظور حمایت از آزادی بیان، معاهدات مختلفی به تصویب رسیده که منشأ همه آنها اعلامیه جهانی حقوق بشر است. لذا این بخش از مقاله به بررسی محدودیت‌های آزادی بیان در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، و کنوانسیون حقوق کودک می‌پردازد.

۱-۱. محدودیت آزادی بیان در اعلامیه جهانی حقوق بشر

سازمان ملل، بعد از تجربه فجایعی که در جنگ جهانی دوم رخ داد، ایده کلی درباره ظهور نظام‌هایی مبتنی بر حقوق بشر را مطرح کرد. بدین منظور اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) برای حمایت از حقوق بشر به تصویب رسید (تورکون، ۱۳۸۱، ص ۶۸۸). تصویب این اعلامیه نشان می‌دهد که زمینه جهانی‌سازی برای حقوق بشر آغاز شده است (سیولک، ۱۳۷۰، ص ۳۸۳). مهم‌ترین جنبه اعلامیه این است که پس از منشور ملل متحد، به حقوق بشر بُعد جهانی و بین‌المللی داد. در واقع، این اعلامیه به‌عنوان سندی اختصاصی در حوزه حقوق بشر، به این حقوق اعتباری بین‌المللی بخشید. معاهداتی که براساس اعلامیه جهانی حقوق بشر منعقد شده‌اند، از حیث سازوکارهای نظارتی و حمایتی حقوق بشر پیشتانزند (گولمز، ۱۳۸۲، ص ۲۰). با وجود این، اعلامیه از حیث شکلی، ماهیت غیرالزام‌آور دارد. از این‌رو برخی استدلال کرده‌اند که این اعلامیه ضمانت اجرا ندارد (آناپورت، ۱۳۸۲، ص ۳۱)؛ لکن از جنبه ماهوی، باید محتوای اعلامیه جهانی حقوق بشر را حاوی مفادی الزام‌آور تلقی کرد؛ زیرا اولاً مفاد آن در بسیاری از معاهدات بین‌المللی بازتأکید شده است که جملگی الزام‌آورند؛ ثانیاً محتوای اعلامیه جهانی، امروزه در رویه دولت‌ها احترام قابل‌ملاحظه‌ای یافته و در بسیاری از موارد به عرف بین‌المللی تبدیل شده است؛ ثالثاً بخشی از مفاد آن می‌تواند قاعده امره بین‌المللی محسوب شود؛ رابعاً اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب مجمع عمومی ملل متحد است که این رکن، مصداق برابری میان همه اعضای ملل متحد است و از این جهت مصوبات آن ارزشی معنوی دارد.

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر قیودی را به‌عنوان تعریف، مصادیق و ضوابط آزادی بیان به‌رسمیت شناخته است. مطابق این ماده، «هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در انتشار آن با تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات و محدودیت‌ها، آزاد باشد». این اعلامیه درباره آزادی بیان چارچوبی کلی را ترسیم کرده است که تضمین می‌کند هیچ‌گونه محدودیت یا دخالتی در استفاده از آزادی بیان، آزادی دسترسی به اطلاعات و گسترش آزادی بیان وجود ندارد. باین حال، ضمن اعمال و بهره‌مندی از حقوق و استفاده از آزادی‌های خود که در بند ۲ ماده ۲۹ این اعلامیه تنظیم شده است، فقط به‌منظور تضمین احترام به حقوق و آزادی‌های دیگران و برآورده کردن الزامات اخلاق و نظم عمومی در جامعه آزاد می‌توان آزادی بیان را محدود کرد.

آزادی بیان به‌صورت ضمنی در ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر که ناظر به آزادی فکر و مذهب است، نیز آمده است: «هرکس حق دارد که از آزادی فکر و مذهب بهره‌مند گردد. این حق، متضمن آزادی تغییر مذهب و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده است. هرکس می‌تواند از این حقوق به‌طور خصوصی یا به‌طور عمومی برخوردار باشد». اعلامیه جهانی حقوق بشر در باب آزادی بیان، بیشتر دیدگاه گروهی از اندیشمندان غربی همچون

ژان ژاک روسو یا جان استوارت میل را که از طرفداران افراطی آزادی بیان بودند، منعکس کرده است (افضلی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۰-۲۷۱). تنها محدودیتی که در ماده ۱۹ برای آزادی بیان ذکر شده، تجاوز به آزادی‌های دیگران است که با لطمه زدن به حسن شهرت دیگری نیز محقق می‌شود. در سایر مواد، نه تنها سخنی از محدودیت آزادی بیان به میان نیامده، بلکه بر نامحدود بودن آن تأکید شده است. البته مفاد ماده ۲۹ که به صورت کلی و مطلق به آزادی‌های بشری پرداخته است، شامل آزادی بیان نیز می‌شود. این ماده، آزادی‌های فردی را فقط تابع محدودیت‌هایی قرار می‌دهد که لزوماً به وسیله قانون تعیین می‌شود و ناظر به تضمین حقوق و آزادی‌های دیگران، رعایت ملزومات اخلاق، نظم عمومی و رفاه عام در جامعه‌ای دموکراتیک باشد (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸، ماده ۱۹)؛ بنابراین آزادی بیان از منظر اعلامیه جهانی حقوق بشر از دو جهت می‌تواند محدود شود: نخست از جهت تعارض با حقوق و آزادی‌های دیگران؛ و دوم به موجب قانونی که در فرایندی دموکراتیک تصویب شده و در مقام دفاع از اخلاق، نظم عمومی یا رفاه عام باشد.

۲-۱. محدودیت آزادی بیان در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) از این حیث تفاوتی اساسی با اعلامیه جهانی حقوق بشر دارد که به لحاظ شکلی نیز سندی الزام‌آور است. در بند ۱ ماده ۲ میثاق، واژه «تضمین کردن» به کار رفته است. این واژه به خوبی تصریح می‌کند که دولت‌های عضو میثاق ملزم‌اند یک رشته اقدامات ایجابی و مثبت را برای تحقق کامل حقوق حمایت‌شده در میثاق انجام دهند. در نتیجه، کافی نیست دولتی اعلام کند که در اعمال حقوق یادشده مانع ایجاد نکرده یا مداخله ننموده است؛ بلکه دولت موظف است وسایل احقاق حق را فراهم کند (رضوانی، ۱۳۹۵، ص ۷۰).

آزادی بیان در مواد ۱۹ و ۲۰ میثاق مقرر شده است. مطابق ماده ۱۹:

۱. هیچ کس را نمی‌توان به مناسبت عقایدش مورد مزاحمت و اخافه قرار داد؛ ۲. هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل، بدون توجه به سرحدات، خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد؛ ۳. اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده، مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد: الف) احترام به حقوق و حیثیت دیگران؛ ب) حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی.

میثاق نیز مانند اعلامیه، اعمال محدودیت بر این حق را منوط به قانون داخلی دولت مربوطه می‌کند؛ البته علاوه بر حقوق و آزادی‌های دیگران، ملزومات اخلاق و نظم عمومی، دو عامل «امنیت ملی» و «سلامت عمومی» را نیز از موارد اعمال محدودیت برمی‌شمرد؛ اما از رفاه عام مذکور در اعلامیه، سخنی به میان نمی‌آورد.

مطابق مفاد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، آزادی بیان پایه و اساس قانونی برای هر فرد فراهم می‌کند؛ گرچه جزو گروه‌های اقلیت در یک جامعه باشد. همچنین از ماده ۱۹ میثاق استفاده می‌شود که بیان را می‌توان به روش‌ها و اشکال مختلف و بدون محدودیت، از حیث فضای حاکم، منتقل کرد (اویار، ۱۳۸۴، ص ۶۳). به بیان دیگر، آزادی بیان را می‌توان به روش‌ها و اشکال مختلف و بدون محدودیت، به همه افراد تسری داد. در نتیجه، آزادی بیان فقط شامل اطلاعات و نظریه‌هایی که عموماً مفید یا صحیح پنداشته می‌شوند، نیست؛ بلکه متضمن هر واقعیت یا نظری است که قابل گفت‌وگو و شنود باشد. کمیته حقوق بشر در این زمینه مقرر می‌دارد: «بند دوم ماده ۱۹ میثاق، هر نوع نظر و ایده شخصی قابل انتقال به دیگران را دربرمی‌گیرد... و شامل اخبار و اطلاعات، اعلانات و تبلیغات تجاری، کارهای هنری و غیره می‌شود. این ماده نباید به اظهارنظر در امور سیاسی، فرهنگی یا هنری محدود شود» (کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، ۱۳۶۷، ص ۳-۱۱). این برداشت از میثاق در کنار نظریه کمیته حقوق بشر، مؤید آن است که آزادی بیان از حیث شیوه و حوزه بیان، فاقد محدودیت است. از این رو محدودیت‌های پیش‌گفته در ماده ۱۹ میثاق، نه ناظر به شیوه و حوزه بیان، بلکه معطوف به آثار بیان است؛ آنگاه که این آثار متوجه حقوق دیگران یا خنجر مزهای جامعه باشد.

عدم محدودیت، از حیث شیوه‌ها و حوزه‌های بیان، نتیجه‌ای واضح دارد: موضوع آزادی بیان صرفاً اطلاعات و نظرها نیست؛ بلکه می‌تواند چیزی غیر از اطلاعات و نظر باشد؛ مثلاً هنرمندی که به قصد سرگرمی افراد، آثاری را خلق می‌کند، خواستار انتقال اطلاعات یا نظر خاصی نیست؛ هر چند عمل او در محدوده آزادی بیان جای می‌گیرد. بر همین اساس، یکی از قضات دیوان اروپایی حقوق بشر اظهار می‌دارد: «اگرچه حق آزادی بیان شامل آزادی جست‌وجو، دریافت یا اشاعه اطلاعات و نظرهاست، اما ممکن است شامل امور دیگری هم باشد؛ زیرا تجلیات بیرونی شخصیت انسان ممکن است اشکال متفاوتی به خود بگیرد که نمی‌توان تمام آنها را در دسته‌های فوق‌الذکر قرار داد» (دیوان اروپایی حقوق بشر، ۱۳۶۷، ضمیمه). عبارت «بدون توجه به سرحدات» در بند ۲ ماده ۱۹ میثاق، حاکی از این است که حق آزادی بیان به مرزهای ملی محدود نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، دولت‌ها باید اجازه دهند تمام افراد حاضر در قلمرو آنها، نظرهای خود را به محدوده سایر دولت‌ها ارائه دهند و نظرات را از کشورهای دیگر دریافت کنند. بدیهی است که استفاده از آزادی بیان در چنین مواردی، به هر دو دولت مبدأ و مقصد مربوط می‌شود (سودمندی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۲). بنابراین، آزادی بیان از حیث جغرافیایی بیان نیز فاقد محدودیت است.

ماده ۲۰ میثاق نیز ناظر به آزادی بیان است. مطابق این ماده، «هرگونه تبلیغ برای جنگ، به موجب قانون، ممنوع بوده و هرگونه دعوت به تفرق ملی یا نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض یا مخاصمه یا اعمال زور باشد، قانوناً ممنوع است». ماده مزبور را باید مشتمل بر محدودیتی کلی برای آزادی بیان دانست. محدودیت‌های موجود در مواد ۱۹ و ۲۰ میثاق در زمینه آزادی بیان را که تا اندازه‌ای مبتنی بر فلسفه نظام سازمان ملل متحد است، می‌توان

مبتنی بر یک دلیل موجه دانست که در تطابق با الزامات حقوق بین‌الملل، خطر آسیب رساندن به منافع دیگران و منافع عمومی و نظم عمومی و استفاده از کلمات توهین‌آمیز را به حداقل می‌رساند (ردموند، ۱۳۸۵، ص ۴۲) و این‌گونه، در راستای تحکیم صلح، گامی استوار برمی‌دارد.

۱-۳. محدودیت آزادی بیان در کنوانسیون حقوق کودک

یکی از انواع آزادی‌های مشروع کودکان، آزادی بیان است؛ بدین معنا که کودکان بتوانند اندیشه‌ها، احساسات و عواطف خود را آزادانه به روش‌های ممکن بیان کنند. سلب این آزادی، حرکت تکاملی کودک و جامعه را مختل خواهد کرد (سلیمانی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۸-۱۹). کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) دولت‌های عضو را وادار به ارائه چارچوب قانونی و سازوکار لازم برای درگیر شدن فعالانه کودکان در تصمیم‌گیری‌های مؤثر بر ایشان کرده است. آزادی بیان نیازمند ایجاد یک محدوده احترام به کودکان برای بیان عقاید و اندیشه‌های خود است. این حق، از اندیشیدن کودکان و فکر کردن آزادانه آنها حمایت کرده، دولت‌ها را به فراهم کردن زمینه برای ایجاد محیط یادگیری و بیان آزادانه دیدگاه‌ها موظف می‌کند (ولوی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۷). ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک در زمینه آزادی بیان مقرر می‌دارد: «دولت‌های طرف کنوانسیون تضمین خواهند کرد کودکی که قادر به شکل دادن به اندیشه‌های خود است، بتواند این اندیشه‌ها را آزادانه درباره تمام موضوعاتی که مربوط به وی می‌شود، ابراز کند».

ماده ۱۳ این کنوانسیون نیز از آزادی بیان سخن به‌میان می‌آورد. مطابق این ماده:

کودک دارای حق آزادی ابراز عقیده است. این حق شامل آزادی جست‌وجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع، بدون توجه به مرزها، به‌صورت کتبی یا شفاهی، به‌شکل آثار هنری یا از طریق هر رسانه دیگری به‌انتخاب کودک است. اِعمال این حق، ممکن است منوط به محدودیت‌های خاصی باشد؛ ولی این محدودیت‌ها فقط منحصر به مواردی است که در قانون تصریح شده و ضرورت دارند؛ از جمله: الف) برای احترام به حقوق دیگران؛ ب) برای حفاظت از امنیت ملی و نظم عمومی.

در کنوانسیون حقوق کودک نیز احترام به حقوق و آبروی دیگران، حفاظت از امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت عمومی و ملزومات اخلاقی، محدودیت‌هایی است که در اِعمال آزادی بیان لازم است. این در حالی است که حق برخورداری از تفکر و بیان آزادانه عقاید، جزء حقوق مشروع همه انسان‌ها به‌شمار می‌آید (سلیمانی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲۰). بنابراین، محدودیت‌های آزادی بیان در کنوانسیون حقوق کودک نیز ناظر به آثار بیان است؛ نه شیوه و حوزه بیان.

این معاهده به کودکان این حق را می‌دهد که مطابق با شرایط خود، افکار خود را شکل دهند. برای اینکه کودکان بتوانند از حق خود در بیان نظرات خود استفاده کنند، لازم است حساسیت خانواده‌ها و عموم مردم، به‌ویژه

کسانی که در مؤسسات مرتبط با کودکان کار می‌کنند، افزایش یابد تا آموزش‌های لازم به آنها داده شود (سودمندی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۴).

مجبور بودن کودکان و لزوم حمایت قانون‌گذار از ایشان، عامل غیرقابل انکاری است که نقش نظارتی والدین صالح را بر آزادی‌های کودک، از جمله آزادی بیان او، توجیه می‌کند. این نقش، به‌ویژه در جایی حائز اهمیت است که اعمال آزادی بیان از جانب کودک، به تعرض به حقوق و آزادی‌های دیگران، نظم عمومی، سلامت عمومی یا ملزومات اخلاقی بینجامد. به‌بیان‌دیگر، رعایت دقیق محدودیت‌های آزادی بیان در خصوص کودکان، بدون نقش نظارتی والدین میسر نخواهد بود.

۲. محدودیت‌های آزادی بیان در اسناد بین‌المللی منطقه‌ای

علاوه بر نظام حقوق بین‌الملل عام که شامل اسناد و ترتیبات جهانی به‌منظور تضمین آزادی بیان است، حمایت از حق مزبور در حقوق بین‌الملل، موضوع خاص‌گرایی هم قرار گرفته و اسناد و ترتیباتی منطقه‌ای نیز در راستای تضمین بهینه آزادی بیان شکل گرفته است. در میان اسناد منطقه‌ای، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شایان ذکرند.

۲-۱. محدودیت آزادی بیان در کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹)، مصوب مجمع عمومی سازمان دولت‌های آمریکایی است. بخش اول کنوانسیون به تعهد دولت‌های عضو برای اجرای حقوق و آزادی‌های اعطاشده در کنوانسیون در مورد همه افراد، بدون تبعیض از هر حیثی همچون نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، دیدگاه‌های سیاسی یا سایر دیدگاه‌ها، خاستگاه ملی یا اجتماعی و وضعیت اقتصادی می‌پردازد. کنوانسیون با تأکید بر اینکه دولت‌های عضو باید کلیه مقررات داخلی خود را در راستای مفاد کنوانسیون بررسی کرده، در صورت مغایرت، لغو یا اصلاح کنند، فراگیری کنوانسیون را در میان دول عضو افزایش داده است (بوزکورد، انور، ۱۳۸۱، ص ۹۰).

بند ۱ ماده ۱۳ کنوانسیون تصریح می‌کند: «هر شخص از حق آزادی فکر و بیان برخوردار است که این حق مشتمل بر آزادی جست‌وجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع، بدون توجه به محدوده مرزی، چه به صورت شفاهی، نوشتاری یا به شکل هنر یا به هر وسیله دیگر به انتخاب افراد می‌شود». در شق الف بند ۲ همین ماده، محدودیت‌های آزادی بیان ذکر شده است که عبارت‌اند از: احترام به حقوق و حیثیت دیگران؛ حمایت از امنیت ملی، نظم عمومی یا رفاه همگانی؛ و اخلاق؛ با این قید که ضروری باشند و صریحاً به‌وسیله قانون پیش‌بینی شده باشند. ماده ۱۴ کنوانسیون، مسئولیت‌پذیری را برای افرادی که اعمال حق

آزادی بیان ایشان موجب نقض حقوق دیگران می‌شود، پیش‌بینی می‌کند و امکان جبران را با استفاده از همان ابزارهای ارتباطی استفاده‌شده، مورد تصریح قرار می‌دهد.

کمیسیون آمریکایی حقوق بشر به‌عنوان یکی از ارکان سازمان دولت‌های آمریکایی، در صد و هشتمین اجلاس عادی خود که از ۲ تا ۲۰ اکتبر ۲۰۰۰م برگزار شد، اعلامیه‌ی اصول مربوط به آزادی بیان را تصویب کرده است. به‌موجب این اعلامیه، حق آزادی بیان باید آن‌گونه که در ماده‌ی ۱۳ کنوانسیون آمریکایی و سایر مقررات بین‌المللی آمده است، محترم شمرده شود. به‌موجب این اعلامیه، آزادی بیان دامنه‌ی گسترده‌ای دارد و شامل موارد ذیل می‌شود: حق آزادانه بررسی، دریافت و انتشار اطلاعات و نظرات، و حق تمام اشخاص در دسترسی به تمام اطلاعات مربوط به خودشان. ارزیابی نظام دولت‌های آمریکایی درباره‌ی آزادی بیان حاکی از آن است که در این اسناد منطقه‌ای نیز محدودیت‌های آزادی بیان مشابه محدودیت‌هایی است که در نظام حقوق بین‌الملل جهانی وجود داشت؛ یعنی محدودیت‌های یادشده، از حیث آثار بیان است، نه از جنبه‌ی شیوه و حوزه بیان.

۲-۲. محدودیت آزادی بیان در منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها

منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (۱۹۸۱) توسط سازمان اتحادیه‌ی آفریقا به‌منظور ترویج حقوق بشر در قاره آفریقا به‌تصویب رسیده است. مواد ۱ و ۲ این منشور در زمینه‌ی وظایف دولت‌ها در قبال آزادی بیان، قابل توجه است. مطابق ماده‌ی ۱ «دولت‌های عضو سازمان وحدت آفریقا که به‌عضویت منشور درآمده‌اند، باید حقوق، وظایف و آزادی‌های مندرج در منشور را به‌رسمیت شناسند و متعهد شوند قوانین لازم یا اقدامات مناسب دیگر را در جهت اجرای آنها به‌تصویب رسانند». در ماده‌ی ۲ نیز دولت‌های عضو مکلف‌اند «حقوق و آزادی‌های شناخته‌شده در منشور را بدون هرگونه تبعیضی از قبیل نژاد، قومیت، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده‌ی دیگر، ریشه‌ی ملی و اجتماعی، ثروت، تولد یا هر وضعیت دیگر در مورد افراد داخل در قلمرو خود اجرا نمایند».

آزادی بیان، در ماده‌ی ۹ این منشور مقرر شده است. مطابق ماده‌ی ۹، «هر فرد باید حق دریافت اطلاعات را داشته و از حق بیان و اشاعه‌ی عقاید خود در چارچوب قانون برخوردار باشد». عبارت «در چهارچوب قانون» ممکن است ناظر به این موضوع باشد که دولت‌های عضو می‌توانند در پوشش قانون، محدودیت‌های گسترده‌ای اعمال کرده، آزادی بیان را محدود کنند. برخی نیز بر این باورند که ممکن است محدودیت‌هایی برای تقویت فرهنگ آفریقا و ارزش‌های آفریقایی وجود داشته باشد (دفیس، ۱۳۷۰، ص ۱۱۸)؛ زیرا منشور آفریقایی، از منظر حقوقی، مانند منع تبعیض، ممنوعیت تبعید در سطح وسیع و حق تعیین سرنوشت نیز اختیارات گسترده‌ای به دولت‌ها می‌دهد تا در چارچوب قانون، محدودیت‌های وسیعی را اعمال کنند. با وجود این، آنچه درباره‌ی آزادی بیان از ماده‌ی ۹ و قید «در چهارچوب قانون» استفاده می‌شود، نمی‌تواند متضمن محدودیتی فراتر از محدودیت‌های مقرر در اسناد بین‌المللی

جهانی باشد؛ زیرا همان‌گونه که در بخش نخست مقاله اشاره شد، جملگی اسناد یادشده نیز بر ضرورت قانونی بودن محدودیت‌ها تأکید ورزیده‌اند.

۳-۲. محدودیت آزادی بیان در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

مطابق کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰)، آزادی بیان یکی از پایه‌های اساسی یک جامعه دموکراتیک است. دیوان اروپایی حقوق بشر در تفاسیر خود از ماده ۱۰ کنوانسیون، آزادی بیان را نه تنها شرطی اولیه برای تحقق دموکراسی، بلکه شرطی لازم برای بهره‌مندی افراد از بسیاری دیگر از حقوق و آزادی‌های حمایت‌شده تحت کنوانسیون تلقی می‌کند. دیوان اروپایی همچنین آزادی بیان را با اعمال ماده ۶ کنوانسیون، یعنی دادرسی منصفانه مرتبط می‌داند. آزادی مطبوعات و بیان در قالب هنر نیز به‌زعم دیوان مزبور، مشمول ماده ۱۰ کنوانسیون است. علنی بودن محاکم رسیدگی‌کننده به جرایم مطبوعاتی و جرایم مربوط به آزادی بیان، منصفانه بودن جریان دادرسی، و بی‌طرف بودن قضات و استقلال دادگستری نیز در ارتباط با اعمال این حق، مورد تأکید دادگاه اروپایی حقوق بشر قرار گرفته است (رضوانی، ۱۳۹۵، ص ۷۲-۷۳).

بند الف ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هرکس دارای حق آزادی بیان است. این حق شامل آزادی داشتن عقیده، دریافت و رساندن اطلاعات و اندیشه، بدون مداخله مقامات دولتی و بدون توجه به ملاحظات می‌شود». در بند ۲ این ماده نیز محدودیت‌های آزادی بیان در قالب قانون و در یک جامعه دموکراتیک و مردم‌سالار به‌نفع امنیت ملی، تمامیت سرزمینی، حفظ نظم عمومی، و حمایت از بهداشت و اخلاق عمومی، در صورتی که ضروری باشد، بیان شده است. کنوانسیون اروپایی هم مانند اسناد پیش‌گفته جهانی و منطقه‌ای، دو نوع محدودیت را از هم تفکیک می‌کند که ناظر به آثار بیان هستند: ۱. محدودیت‌هایی که برای حمایت از منافع عمومی اعمال می‌شود؛ ۲. محدودیت‌های محافظت از حقوق دیگران. البته کنوانسیون اروپایی در مقایسه با اسناد پیش‌گفته، که صرفاً بر قانونی بودن محدودیت تأکید داشتند، گامی فراپیش برمی‌دارد و اعمال محدودیت‌ها را به شرایطی منوط می‌کند: ۱. مطابق قانون باشد؛ ۲. براساس یک هدف قانونی، مشروع باشد؛ ۳. برای حفظ جامعه دموکراتیک لازم باشد. در صورت نبود هریک از این شروط، هرگونه اعمال محدودیت، تخلف از ماده ۱۰ محسوب شده، غیرقانونی خواهد بود (کاباساکال، ۱۳۹۰، ص ۳۲۹). در مجموع، اسناد منطقه‌ای نظر به آنکه در جغرافیایی ویژه تدوین می‌شوند و دولت‌های عضو آنها همگونی بیشتری دارند، در تدوین محدودیت‌های آزادی بیان دقت نظر بیشتری دارند و از معیارهای جزئی‌تری بهره برده‌اند. این امر به‌طور خاص در مورد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مشهود است.

۳. محدودیت‌های آزادی بیان در اسلام

بسیاری از مستشرقان، اسلام را مخالف هر نوع آزادی و آن را ناقض حقوق بشر به معنای امروزی آن قلمداد کرده‌اند؛ زیرا آزادی‌انگونه که در مفهوم غربی و در اسناد بین‌المللی موجود است، نه در قرآن و نه در سنت و دیگر منابع اسلامی مدنظر می‌باشد (بن سعود البشیر، ۱۳۸۷، ص ۲۷). شالوده فکری اسلام، بر مخالفت با پذیرش بدون تفکر آرا و نظریات بنا شده است؛ حتی اگر آرا و نظریات یادشده مورد پذیرش اکثریت جامعه باشند. دلایل بسیاری در تأیید وجود آزادی بیان و به‌ویژه آزادی اندیشیدن در اسلام در دسترس است که از آن جمله می‌توان به حدود سیصد آیه در قرآن کریم اشاره کرد که موضوع آن ترغیب افراد به تفکر است (صفایی، ۱۳۷۰، ص ۸). همچنین از نظر تاریخی نیز مراجعه به سیره پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام مؤید پذیرش آزادی بیان است. نظام حقوقی اسلام و قواعد آن، از جمله امر به معروف و نهی از منکر، آزادی انتقاد از حکمرانان، اصل شورا و مشورت، و پذیرش اجتهاد در دستگاه قانون‌گذاری اسلام، از دیگر مظاهر آزادی بیان در اسلام است. نظر به الزامات کلان مکتب اسلام در خصوص انسان و جامعه، آزادی بیان در هریک از این حوزه‌ها با محدودیت‌هایی مواجه است.

۳-۱. آزادی بیان و محدودیت‌های آن در قرآن کریم و سنت نبوی

آزادی بیان در قرآن کریم، گاه ناظر به شخص انسان و جایگاه اخلاقی اوست؛ گاه معطوف به رابطه میان انسان و حکومت و گاه در ارتباط با نظامات حاکم بر جامعه است. از جنبه نخست، در آیات ۳ و ۴ سوره «الرحمن»، از «بیان» به‌عنوان نعمتی که خداوند بعد از خلقت انسان به او ارزانی می‌دارد، یاد می‌شود. همچنین قرآن کریم انسان‌های صالح را این‌گونه می‌ستاید که سخنان را می‌شنوند و بهترین آن را انتخاب می‌کنند؛ و این مطلب را آنگاه بیان می‌کند که در آیات پیشین، مشرکان را به‌سبب پرستش غیر خدا سرزنش کرده است و بندگان شایسته را از این جهت که از عبادت طاغوت دوری جسته و به خداوند روی آورده‌اند، تجلیل کرده است (زمر: ۲۰).

از جنبه دوم، یعنی نسبت میان انسان و حکومت یا نظامات حاکم بر جامعه، در منطق قرآن، مردم می‌توانند در امور مربوط به جامعه و حکومت اظهارنظر کنند و به انتقاد بپردازند و تا آنجا که به مصالح مهم جامعه لطمه وارد نیاید، کسی حق ندارد مانع این آزادی شود. قاعده امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم ناظر به این مدعاست که درواقع آزادی بیان را جهت تأمین مصالح جامعه و جلوگیری از فساد، برای همه احاد ملت تضمین کرده است (آل عمران: ۴). در آیه ۱۱۱ سوره «بقره» نیز خداوند در برخورد با مخالفان، آنان را به بیان دلایل خود فرامی‌خواند و از این طریق به برخورداری مخالفان از حق آزادی بیان اشاره دارد.

در مجموع، منطق قرآن، نه آزادی بی‌قیدوشرط را تجویز می‌کند و نه محدودیت کامل را مجاز می‌انگارد. وفق آیات قرآن، اولین محدودیت آزادی بیان، مسائل اخلاقی، و دومین محدودیت آن، مسائل سیاسی و اجتماعی است (حجرات: ۱۱). مبرهن است که لازمه تحقق این امر، آزادی بیان و تحمل شنیدن استدلال‌ها و نظرات گوناگون

است (مهرپور، ۱۳۷۰، ص ۷۱). همین منطق را می‌توان در سنت پیامبر اسلام ﷺ ملاحظه کرد. این موضوع، به‌ویژه در آغاز رسالت ایشان برجستگی خاصی دارد.

پیامبر اسلام ﷺ در روزهای اول ابلاغ رسالتش، پیروی از اجداد و نیاکان در پذیرش یا رد یک عقیده را نکوهش کرد (افضلی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۱). ایشان همچنین در ابتدای دعوت، به‌منظور اثبات حقانیت رسالت خود، تلاشی در جهت بحث‌های آزاد مذهبی با سایر ادیان را دنبال می‌کرد. آن‌گونه که استاد عمیدزنجانی اظهار می‌کند: پیامبر اسلام ﷺ با تشکیل کنگره‌ها و صحنه‌های بحث آزاد برای طرح دلایل و اظهارنظرهای طرفین و روشن شدن حقیقت، سعی داشتند تا مخالفان را با استناد به ادله عقلی، به موضع پذیرش رسالت خویش سوق دهند. ایشان مناظرات را به‌صورت آزاد برگزار می‌کردند و سخنان مخالفان را به‌دقت می‌شنیدند و به‌طریقی که مایل بودند، پاسخ می‌دادند (عمیدزنجانی، ۱۳۸۸، ص ۳۵۰-۳۵۲).

۲-۳. آزادی بیان و محدودیت‌های آن در مکتب و نظام حقوقی اسلام

در نظرگاه اسلام، آزادی ویژگی خاصی دارد و متأثر از موازین اخلاقی، به‌مثابه آزادی تفسیر می‌شود. استلزام آزادی و آزادی، از وجوه متمایز آزادی در اسلام و اسناد حقوق بشری است و بدان معناست که آزادی را نه‌فقط برای خود، بلکه برای دیگران هم باید مطالبه کرد. انسان آزاده نه‌تنها آزادی را برای خود و قوم و ملت خود می‌خواهد، بلکه برای کل بشریت مطالبه می‌کند. هدف انسان آزاده، از خودخواهی به دیگرخواهی ارتقا یافته است. آزادی، خصیصه‌ای انسانی و عرفانی است. چنین خوانشی از آزادی، مختص اسلام و آورده اسلام است. درست به‌دلیل چنین نگاهی به آزادی در اسلام است که محدوده آزادی‌ها در اسلام نیز متمایز از اسناد حقوق بشری است:

۱. در حقوق بشر از نگاه اسلام، آزادی - که به‌عنوان اصل پذیرفته شده است - مطلق نیست؛ یعنی نباید چنین پنداشت که مردم هرچه را برگزینند، قانون زندگی است. اگر چنین بود، انسان موجودی خردمند بود که می‌توانست فارغ از رسل الهی خود را اداره کند. پس آزادی را باید در جایی محدود کرد. آزادی مطلق بالاترین درجه آزادی است؛ اما آزادی محدود و مقید به ضرورت‌های متعارف نیز تا جایی که انتخاب آزاد و دلخواه و حکومت اراده را از انسان نگیرد، باز هم آزادی و ارزش است (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۳۳۹-۳۹۸). در غرب و اسناد بین‌المللی، هرچا سخن از آزادی به‌میان می‌آید، معمولاً بر مطلق بودن آن تأکید می‌شود؛ ولی در اسلام هیچ‌گاه آزادی مطلق برای افراد تجویز نشده است.

۲. از دیدگاه اسلام، آزادی حقیقی دو رکن دارد: یکی عصیان و تمرد؛ و دیگری تسلیم و انقیاد. بدون عصیان و تمرد، رکود و اسارت است؛ و بدون تسلیم و انقیاد در برابر اصول، هرج‌ومرج است. کلمه طیبه «لا اله الا الله» مشتمل بر هر دو رکن است. این دو عنصر، وابسته به یکدیگرند؛ نه آن تسلیم بدون این عصیان میسر است و نه این عصیان بدون اتکا به آن تسلیم، عملی است (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷-۱۱۹). از این رو آزادی بیان در اسلام

یک آزادی انضباطی با نظارت‌های شرعی است که زمینه‌ها، اهداف و ابزارهای آن معین شده است؛ به‌گونه‌ای که حق فرد را برای ابراز عقیده خود، به‌روشی که به‌نفع خود یا جامعه باشد، تضمین کرده، حقوق دیگران و شارع را نیز مراعات می‌کند (بن‌عواجی صلوی، ۱۳۹۱، ص ۲۴).

۳. مطابق حقوق بشر در اسلام، اگرچه لازمه حق طبیعی و حیثیت ذاتی انسان لزوم احترام به اوست، اما لازمه احترام به انسان، کاری به کار او نداشته نیست. در حقوق بشر غربی و به تبع آن در اسناد بین‌المللی، لازمه احترام به حیثیت ذاتی انسان این است که خواسته‌ها و تمایلات و انتخاب‌های هر انسانی نیز باید محترم شمرده شود؛ یعنی هر عقیده‌ای که انتخاب کرد نیز محترم است؛ هرچند آن عقیده سخیف‌ترین و موهن‌ترین عقاید به شأن و مقام انسان باشد؛ اما در نگرش اسلامی، انسان از آن حیث محترم است که به‌سوی یک هدف تکاملی طبیعی در حرکت است. هر عقیده‌ای که نیروهای کمال‌جوی انسان را راکد کند و در زنجیر قرار دهد، حتی اگر زاینده انتخاب انسان باشد، احترام ندارد؛ بلکه باید آن زنجیر را از دست و پای چنین انسانی باز کرد (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۷۵-۷۹). جهان‌بینی حقوق بشری حاکم بر اسناد بین‌المللی - که وفق آن، از نظر عقیده و مذهب نباید مزاحم کسی شد - در واقع این امور را جزء امور خصوصی و سلیقه‌ای و ذوقی می‌پندارند؛ حال آنکه «ایمان و مذهب و توحید، مؤثر در سعادت بشری است و از دیدگاه اسلام اینها جزئی از حقوق بشر و حقوق عمومی همه انسان‌ها محسوب می‌شود» (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۵۳-۵۶). چنین نگرشی به انتخاب عقیده، می‌تواند در آزادی بیان و ابراز آن عقیده نیز محدودیت ایجاد کند.

۴. در اسناد بین‌المللی، آزادی معمولاً بدون قید «مسئولانه» مطرح می‌شود؛ مگر صرفاً در مواردی که مزاحم حقوق دیگران باشد؛ اما در حقوق بشر در اسلام، آزادی همان‌گونه که به عدم تراحم با حقوق و آزادی‌های دیگران مقید است، به عدم تباه ساختن حیات معقول و تکاملی انسان نیز مقید است؛ لذا آزادی اسلامی واجد قید «مسئولانه» است (جعفری، ۱۳۸۸، ص ۲۲۱). انسان در نگرش اسلام، در عین اینکه باید آزاد باشد، مسئول نیز هست؛ یعنی آزادی او توأم با مسئولیت است: مسئولیت در برابر حقوق و آزادی دیگران؛ مسئولیت در برابر کرامت ذاتی خود و ارزش‌های جامعه؛ مسئولیت در برابر اصول و معیارهای مکتب وحی برای تعالی و تکامل فرد و جامعه. درست به همین دلیل است که تنها قید اصلی‌ای که برای آزادی بیان در اسناد بین‌المللی در نظر گرفته شده، محدودیت‌هایی است که به‌وسیله قانون موضوعه و منحصرأ به‌منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران بیان شده باشد؛ اما در اسلام، حق آزادی بیان نه‌تنها مشروط به عدم نقض حقوق عمومی دیگران، بلکه مقید به عدم تجاوز از معیارهای انسانی و ارزشی نیز است (ناصرزاده، ۱۳۷۳، ص ۹۱). بنابراین، آزادی بیان و قلم نباید به حق کرامت و شرافت انسانی و حیثیت ذاتی او لطمه‌ای وارد کند. تعارض میان «حق کرامت و شرف انسانی» و «حق آزادی مطلق قلم و بیان»، در اسلام به‌نفع کرامت، و در حقوق بشر به‌نفع آزادی حل می‌شود.

۵. در حقوق بشر اسلامی، آزادی مقدمه کمال است، نه خود کمال. به مرحله آزادی رسیدن، به مقدمه کمال رسیدن است. از این دیدگاه، ارزش آزادی به این نیست که انسان قدرت انتخاب موضوع و راهی از میان موضوعات و راه‌های مختلف را داشته باشد؛ بلکه ارزش آزادی به موضوع و راه انتخاب‌شده است (جعفری، ۱۳۸۸، ص ۶۷). این امر که آزادی از نگاه اسلام مقدمه است و در واقع طریقت دارد، نه موضوعیت، منجر به این می‌شود که آزادی، هدف و مطلوب مطلق نباشد؛ بلکه وسیله حیات تکاملی و خلاقیت ذاتی باشد. در این فرض، ارزش آزادی ذاتی نیست؛ بلکه اعتباری و عرضی است. بنابراین، آزادی بیان نیز فی‌نفسه مطلوب نیست؛ بلکه از حیث نقشی که در کشف حقیقت دارد، دارای مطلوبیت است.

۶. در حقوق بشر اسلامی، انسان به دو فضای باز و بلامانع نیازمند است: یکی فضای اجتماع و بیرون؛ و دیگری فضای روح و درون. بنابراین، آزادی در اسلام بر دو قسم است: آزادی معنوی و آزادی اجتماعی. آنجا که انسان باید از بند خرافات فکری یا هواهای نفسانی آزاد باشد، آزادی جنبه درونی و معنوی دارد و آنجا که دیگران نباید پیش پای انسان و راه و مسیر او قید و بندی ایجاد کنند، آزادی جنبه خارجی و بیرونی و اجتماعی دارد (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۹۶-۹۹). آزادی بیان تشبیه‌شده در اسناد بین‌المللی، صرفاً بر مبنای آزادی اجتماعی شکل گرفته است؛ لکن آزادی بیان در نظام حقوقی اسلام نمی‌تواند فارغ از آزادی معنوی انسان باشد و این خود محدودیت دیگری بر آزادی بیان است. بر این اساس، انتشار فیلم‌های مستهجن، حسب اسناد بین‌المللی حقوق بشر می‌تواند مصداقی از آزادی بیان باشد؛ اما از منظر حقوق بشر در اسلام مغایر آزادی معنوی انسان است.

۳-۳. محدودیت آزادی بیان در اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره

اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره (۱۹۹۰)، مصوب وزیران امور خارجه دولت‌های عضو سازمان همکاری اسلامی است. ماده ۲۲ اعلامیه مقرر می‌دارد:

۱. هر انسانی حق دارد که نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان کند؛
۲. هر انسانی حق دارد برای خیر و نهی از منکر، بر طبق ضوابط شریعت اسلامی دعوت کند؛
۳. تبلیغات، یک ضرورت حیاتی برای جامعه است و سوءاستفاده و سوءاستعمال آن و حمله به مقدسات و کرامت انبیا یا به‌کارگیری هر چیزی که منجر به ایجاد اختلال در ارزش‌ها یا متشتت شدن جامعه یا موجب زیان یا متلاشی شدن اعتقاد شود، ممنوع است؛
۴. برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست.

حق دعوت به خیر و نهی از منکر و نیز حق تبلیغات در ماده ۲۲، هر کدام به‌نحوی از مصادیق همان آزادی بیان است که در بند الف به‌طور کلی آمده است. هر کدام از بندهای این ماده، شرایطی را برای آزادی بیان وضع می‌کند. این شرایط عبارت‌اند از: عدم مغایرت با اصول و ضوابط شرعی؛ عدم سوءاستفاده از این حق؛ عدم حمله به مقدسات و کرامت انبیا؛ عدم ایجاد اختلال در ارزش‌ها؛ عدم رواج تشدد در جامعه؛ عدم زیان رساندن به اعتقادات مردم؛ و

عدم برانگیختن احساسات قومی و مذهبی (افضلی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۶-۲۷۷). علاوه بر قیودی که این ماده برای آزادی بیان مقرر کرده است، ماده ۲۴ اعلامیه نیز مقرر می‌کند: «کلیه حقوق و آزادی‌های مذکور در این سند، مشروط به مطابقت با احکام شریعت اسلامی است». در نتیجه، این اعلامیه هر نوع آزادی بیان را منوط به رعایت قوانین اسلامی کرده است.

نتیجه‌گیری

ضوابط آزادی بیان، در اغلب اسناد بین‌المللی مشترک است. تقریباً همه اسناد از ضوابط مشابهی برای آزادی بیان استفاده کرده‌اند که می‌توان همه آنها را برگرفته از اعلامیه جهانی حقوق بشر دانست. اسناد بین‌المللی متضمن قواعدی هستند که می‌توان برای جامعه آزاد و دموکراتیک متصور شد؛ از جمله اینکه در ابراز عقاید نباید ترس و واهمه‌ای وجود داشته و فرد باید بتواند بدون نگرانی از ملاحظات و محدودیت‌ها، از آزادی بیان برخوردار باشد. دولت‌ها نیز نباید در آزادی بیان افراد جامعه دخالت کنند؛ مگر اینکه مغایر با نظم عمومی و الزامات اخلاقی، آن‌هم به صورت شدید، باشد. قوانین ملی دولت‌ها باید متضمن مقرراتی باشند که در کل نتوان مانع ابراز عقاید افراد شد؛ مگر در موارد استثنایی. مصادیق آزادی بیان، نه تنها برای بزرگسالان، بلکه در خصوص کودکان نیز صادق است و وفق کنوانسیون حقوق کودک، کودکان باید بتوانند آزادانه اندیشه‌های خود را بیان کنند.

با وجود این، نظر به محدودیت آزادی‌ها در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، بر ضرورت تحدید آزادی بیان نیز تأکید شده است؛ خواه به دلیل توازن قدرت و آزادی و خواه به دلیل سوءبرداشت از آزادی بیان؛ زیرا آزادی‌ها، به ویژه آزادی بیان، تابع سلسله‌مراتب هنجارهای حقوقی‌اند و نمی‌توان درک نامحدودی از آزادی را برای یک جامعه متصور شد. ارزش واقعی یک آزادی بستگی به تعیین حدود آن دارد؛ ولی این محدودیت‌ها نباید مرتبط با ماهیت عقاید باشند؛ بلکه مرتبط با شرایطی هستند که خطری جامعه را تهدید کند یا امنیت کشوری در معرض مخاطره قرار گیرد. به نظر می‌رسد که در بین سازوکارهای بین‌المللی ایجادشده برای تحقق آزادی بیان، نظام قاره اروپا پیشتاز است. در مقابل، کلی‌ترین و بحث‌برانگیزترین محدودیت‌های آزادی بیان در میان اسناد بین‌المللی، متعلق به کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر و ملت‌هاست که مطابق آن، دولت‌های آفریقایی می‌توانند محدودیت‌های گسترده‌ای در چارچوب قانون اعمال کنند و آزادی بیان را بنا به تشخیص خود با توجیهاتی کلی، نظیر حفظ امنیت ملی، محدود سازند.

آزادی بیان و محدوده آن در اسلام، با محتوای اسناد بین‌المللی تفاوت دارد. اسلام محدودیت‌های متفاوتی برای آزادی بیان وضع کرده است. در حقوق بشر اسلامی، آزادی صرفاً امری شکلی نیست که تنها آزادی انتخاب به انسان بدهد؛ بلکه امری ماهوی است که در مورد انتخاب‌های انسان هم قضاوت ماهوی صورت می‌گیرد.

به بیان دیگر، آزادی انتخاب انسان در صورتی واجد ارزش خواهد بود که گزینه انتخاب شده در راستای تعالی و تکامل و اقتضای کرامت انسانی او باشد. نظر به آنکه جامع‌ترین برنامه برای تعالی و تکامل انسان، که مبتنی بر مقتضای فطرت و کرامت او باشد، مکتب اسلام است، آزادی‌های اسلامی و از جمله آزادی بیان نمی‌توانند مغایر با قوانین اسلامی باشند. در نتیجه، اگر حاصل اعمال آزادی بیان، نقد و رد اسلام باشد، آزادی بیان از حیث ماهوی محدود می‌شود. از این رو عواملی مانند ارتداد، کفر، سب‌النبی، قذف، بغی و... مستقیماً بر محدوده آزادی بیان تأثیر گذارند. چنین منطقی به اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره نیز سرایت کرده است؛ به گونه‌ای که مطابق ماده ۲۴ این منشور، آزادی بیان صرفاً در مطابقت با شریعت اسلامی پذیرفته می‌شود. این محدودیت می‌تواند مشابه همان قید «قانونی بودن» یا «در چارچوب قانون» مندرج در اسناد بین‌المللی باشد. بنابراین، در اسلام آزادی بیان علاوه بر محدودیت‌های شکلی از حیث آثار، محدودیت‌هایی ماهوی از حیث گزینه انتخاب و ابراز شده نیز دارد. البته در صورت تأمین ماهیت مطلوب برای آزادی بیان، اعمال این آزادی - مانند اسناد بین‌المللی - از حیث شیوه بیان محدودیتی ندارد؛ اگرچه از جنبه حوزه آزادی بیان، حسب ضوابط مکتب اسلام، محدودیت بردار است. حال با عنایت به اینکه محدودیت‌ها و ماهیت مطلوب برای آزادی، در راستای تضمین حیات تکاملی و اقتضای فطرت و کرامت تمهید شده است، آیا نمی‌توان آن را در راستای تحقق حقوق بشر تفسیر کرد؟

- احمدی، سیدمحمدصادق و همکاران، ۱۳۹۵، «بررسی تطبیقی محدودیت‌های آزادی بیان در تلوزیون از منظر اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق موضوعه ایران»، *پژوهش حقوق عمومی*، سال هجدهم، ش ۵۲، ص ۱۵۳-۱۷۷.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸.
- افضلی، صادق، ۱۳۷۸، «آزادی بیان در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر»، *سراج*، سال ششم، ش ۱۶ و ۱۷، ص ۲۵۸-۲۸۰.
- بن سعود البشر، محمد، ۲۰۰۹، *حریه الرأی فی الاسلام و النظم الحدیثه*، الدورة الرابعة، مدینه النبی.
- بن عواجی صلوی، عبدالحافظ، ۲۰۱۳م، «حرية التعبير عن الرأي في وسائل الإعلام في المجتمع المسلم والمجتمعات الغربية»، *منظمة المؤتمر الاسلامی*، الدورة التاسعة عشرة، إمارة الشارقة، دولة الإمارات العربية المتحدة.
- جعفری، محمدتقی، ۱۳۸۸، *حقوق جهانی بشر*، چ دوم، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه محمدتقی جعفری.
- رضوانی، سیدحسین، ۱۳۹۵، «حق آزادی بیان و مسئولیت بین‌المللی کشورها در قبال آن»، *سیاست خارجی*، سال سی‌ام، ش ۴، ص ۹۲-۶۵.
- سلیمانی، فاطمه و دیگران، ۱۳۹۵، «حق برخورداری کودکان از آزادی»، *کانون وکلای دادگستری*، ش ۱۵، ص ۱۵-۴۰.
- سودمندی، عبدالمجید، ۱۳۹۵، «اجزای حق آزادی بیان در نظام بین‌المللی حقوق بشر»، *مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره هشتم، ش ۲، ص ۸۷-۱۱۴.
- صفایی، سیدحسین، ۱۳۷۰، «حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۲۷، ص ۱-۱۶.
- عمیدزنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۸، *فقه سیاسی: حقوق معاهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام*، چ ششم، تهران، سمت.
- کاتوزیان، امیرناصر، ۱۳۸۰، *مبانی حقوق عمومی*، چ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶، *جهاد*، چ هفتم، تهران، انتشارات اسلامی.
- _____، ۱۳۸۱، *سلسله یادداشت‌ها (حرف الف)*، چ دوم، تهران، صدرا.
- _____، ۱۳۸۷، *پیرامون انقلاب اسلامی*، چ نوزدهم، تهران، صدرا.
- _____، ۱۳۹۰، *یادداشت‌های استاد مطهری (حرف الف)*، چ پنجم، تهران، صدرا.
- مطهری، محمد و علیرضا ناصری، ۱۳۹۴، «محدودیت‌های آزادی بیان و استانداردهای حاکم بر آنها در اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، در: *نخستین کنگره بین‌المللی جامع حقوق*، تهران، ایران.
- ملکوئی، سیدحسین و دیگران، ۱۳۹۵، «محدودیت‌های آزادی بیان در اعلامیه اسلامی حقوق بشر با رویکرد به اسناد بین‌المللی»، *حقوق اسلامی*، سال سیزدهم، ش ۵۰، ص ۱۵۷-۱۷۹.
- مهرپور، حسین، ۱۳۷۰، «دیدگاه اسلام در مورد آزادی عقیده و بیان»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره بیست و هفتم، ش ۱۱۴۵، ص ۷۵-۷۱.
- ناصرزاده، هوشنگ، ۱۳۷۲، *اعلامیه‌های حقوق بشر*، تهران، ماجد.
- ولوی، پروانه و دیگران، ۱۳۹۵، «کونوانسیون جهانی حقوق کودک و فرصت‌هایی که برای پرورش تفکر مستقل در کودکان ارائه می‌دهد»، *تفکر و کودک*، سال هشتم، ش ۲، ص ۱-۲۰.

Anayurt, Ömer, 2004, *Avrupa İnsan Hakları Hukukunda Kişisel Başvuru Yolu*, Ankara, Seçkin Yay.

Bozkurt, Enver, 2003, *İnsan Haklarının Korunmasında Uluslararası Hukukun Rolü*, Ankara, Nobel yay.

Civelek, Jale, 1992, "Evrensel Düzeyde Haklara Genel Bir Bakış", *Argumentum*, Yıl.3, SAYI. 25.

- Declaration of Principles on Freedom of Expression, 2000, Preamble.
- Defeis, Elizabeth F, 1992, "Freedom of Speech and International Norms: A Response to Hate Speech", *Stanford Journal of International Law*, V. 29, Issue 1, p. 57- 130.
- European Court of Human Rights*, 1989, Annex.
- Gülmez, Mesut, 2004, *Birleşmiş Milletler Sisteminde İnsan Haklarının Korunması*, Ankara, TBB Yay.
- Hussain, A., 2001, "Report of the UN Special Rapporteur on the Promotion and Protection of the Right to Freedom of Opinion and Expression", UN Doc. E/CN.
- Kabasacal Arat, Zahra F, 2012, "The United States, Justice, and Human Rights", *Journal of Human Rights*, V. 11 (3), p. 322-331.
- Kamber, Suat, 2012, *İfade Özgürlüğü*, Başbakanlık İnsan Hakları Başkanlığı, Yayınlanmamış Uzmanlık Tezi, Ankara.
- Kyung Hee Kim (2011). The creativity crisis: The decrease in creative thinking scores on the Torrance Tests of Creative Thinking. *Creativity Research Journal*, 23,p 285-295.
- Redmond, Sophie, 2007, *İfade Özgürlüğü Hakkını Düzenleyen Uluslararası Standartlar Düzeni, Türkçeye Çev. Tanıl Bora*, İfade Özgürlüğü İlkeler ve Türkiye, İletişim yay., İstanbul.
- Right to Freedom of Opinion and Expression*, UN Doc. E/CN.55/2006/4.
- Türköne, Mümtazer, 2003, *Siyaset*, Etkileşim Yayınları, Ankara.
- Ümit Kocasakal ve Diğerleri, Avrupa İnsan Hakları Mahkemesi Kararlarında İfade Özgürlüğü Türk Ceza Hukuku Derneği, : www.tchd.org.tr
- UN Human Rights Committee (1989), Communications Nos.359/1989 and 385/1989, UN Doc. CCPR/C/47/D/359/1989 and 385/1989/Rev.1.
- Uyar, Lema, 2006, *Birleşmiş Milletler'de İnsan Hakları Yorumları: İnsan Hakları Komitesi ve Ekonomik, Sosyal ve Kültürel Haklar Komitesi 1981-2006*, İstanbul Bilgi Üniversitesi yay.